

ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا: درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران

دکتر علی اصغر خلاق

چکیده

نظام‌های آموزش و پرورش همواره در معرض اصلاح و تغییر قرار دارند. عمده‌ترین دلایل این اصلاحات همسو کردن نظام آموزشی با تحولات و تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و در دهه‌های اخیر موجب سرعت بخشیدن به اصلاحات اقتصادی بوده است. لذا توجه به اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، به عنوان ابزار مهمی برای تربیت و افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای انسانی به منظور زمینه‌سازی اصلاحات و توسعه اقتصادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی اصلاح نظام آموزشی کشور باشد.

یکی از کشورهایی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در شرایط نسبتاً مشابهی با شرایط امروز کشور ما (مانند تکیه بر صدور مواد خام، اقتصاد حمایتی، و مواجهه با بیکاری جوانان، رکود اقتصادی، وسعت سرزمین، پراکندگی جغرافیایی و تنوع فرهنگی) قرار داشت کشور استرالیا است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ با تأکید بر اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای توسعه اقتصادی را آغاز کرد و در پایان این دهه و شروع قرن بیست و یکم به موفقیت‌های چشمگیری نائل شد. از این رو، بررسی ویژگی‌های این نظام می‌تواند درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و تکمیلی وجود دارد که امکان تحرک و انعطاف‌پذیری این سیستم را در پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت و همچنین توسعه و اصلاح مستمر آن فراهم می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. استقلال سازمانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، ۲. ارتباط با بخش تولید و خدمات، ۳. ایجاد مراکز پژوهشی و ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی.

این مقاله، با توصیف و بررسی کاربرد این ویژگی‌ها در آموزش فنی و حرفه‌ای ایران، نشان داده است که توجه به آنها می‌تواند به اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران کمک نماید. البته تحقق این اصلاحات

نیازمند ایجاد بسترهایی مانند پژوهشی شدن ساختار دانشگاه‌ها و تأسیس مراکز پژوهشی در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین تأسیس و توسعه نهادهای مدنی حرفه‌ای است تا به کمک آنها بتوان سازمانهای میانی تأسیس نمود که قادر باشد رابطه مستمر بین آموزش و بخش تولید را فراهم سازد. در پایان مقاله نیز پیشنهادهایی برای اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران ارائه شده است.

مقدمه

نگاهی به تاریخ آموزش و پرورش ایران و جهان نشان می‌دهد که نظام‌های آموزش و پرورش همواره در معرض اصلاح و تغییر قرار دارند. به عبارت دیگر، بعد از هر حادثه یا تحول سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، اصلاحات آموزشی مطرح شده است. عمده‌ترین دلایل این اصلاحات همسو کردن نظام آموزشی با تحولات و تغییرات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی است. در واقع، لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تحول، انگیزه اساسی دولت‌ها برای تغییر و اصلاح نظام آموزشی به شمار می‌رود. بررسی تاریخ آموزش و پرورش در ایران نیز مؤید این قاعده است. تأسیس دارالفنون تحت تأثیر تحولات اروپا و صدارت امیر کبیر آغاز شد. با حکومت رضاخان و تأسیس رژیم پهلوی در ایران نظام آموزشی جدیدی به وجود آمد. حوادث سیاسی و تحولات اقتصادی دهه ۱۳۴۰ تغییر نظام آموزشی سال ۴۵ را رقم زد و با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی لزوم اصلاح و تغییر نظام آموزشی احساس شد و اکنون پاسخ‌گویی به نیازهای جدید بار دیگر لزوم اصلاحات آموزشی را مطرح کرده است (صدیق، ۱۳۴۲، مرجانی، ۱۳۷۳، همایش اصلاحات آموزشی ۱۳۸۱). اصلاحات آموزشی در اروپا و کشورهای صنعتی نیز به منظور هماهنگ ساختن آن با تحولات اقتصادی و اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار و از سوی دیگر برای زمینه‌سازی توسعه اقتصادی صورت گرفته است. بنابراین ملاحظه می‌شود که اصلاحات آموزشی امر مستمری است که کارکرد آن انطباق نظام آموزشی با نیازهای جدید و تحولات انجام شده و زمینه‌سازی برای توسعه در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

اگر چه این امر نشان می‌دهد که اصلاحات آموزشی در هر کشور تابع تحولات ویژه آن کشور است و ممکن است شکل آن در یک کشور با کشور دیگر متفاوت باشد، اما از آنجا که همه کشورهای به نوعی تحت تأثیر تحولات جهانی و بین‌المللی قرار دارند می‌توان نکات مشترکی در این اصلاحات یافت، به ویژه اگر، به جای توجه به شکل اصلاحات، به استراتژی‌ها و راهبردهای اساسی آن برای یک موضوع مشترک توجه شود. یکی از این موضوعات مشترک، چگونگی پاسخ‌گویی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به نیازهای بخش تولید و اقتصاد یا، به عبارت دیگر، تربیت نیروهای کارآمدی است که بتوانند در میدان عمل از مهارت‌های کسب شده خود برای انجام امور به خوبی استفاده کنند و کیفیت تولید و خدمات را در حد ممکن برای حضور موفق در عرصه رقابت در بازارهای جهانی افزایش دهند و پاسخ‌گوی اصلاحات مورد نظر باشند.

از آنجا که در حال حاضر کشور ما با دو معضل بیکاری و کمبود سرمایه‌گذاری مواجه است و از سوی دیگر موضوع جهانی شدن و عضویت در سازمان تجارت جهانی^۱ می‌تواند اقتصاد ما را به شدت تحت تأثیر

1- World Trade Organization (WTO)

و فشار قرار دهد، توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اصلاح آن به عنوان یک ابزار کارآمد برای تربیت و افزایش کارائی و بهره‌وری نیروی انسانی به منظور زمینه‌سازی برای اصلاحات اقتصادی باید از اولویت‌های اصلی اصلاح نظام آموزشی کشور باشد. (خلاق، ۱۳۷۷)

بعد از جنگ دوم جهانی به واسطه تحولات عظیم اقتصادی و تغییرات سریع تکنولوژی، نظام آموزشی، به ویژه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، مورد توجه واقع شد و دولت‌ها خواستار اصلاح و توسعه آن شدند. بعد از طرح نظریه سرمایه انسانی در دهه ۱۹۶۰، یک توافق عمومی بین سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجتماعی و آموزشی و همچنین اندیشمندان به وجود آمد و آموزش را کلید حرکت به سوی توسعه اقتصادی مداوم دانستند (فاجرلیند و ساها، ۱۹۸۹، ص ۴۰).^۱ به عبارت دیگر این نظریه رایج گردید که توسعه اقتصادی مستلزم اصلاح و توسعه نظام‌های آموزشی، به ویژه آموزش فنی و حرفه‌ای، است. زیرا موتور محرکه اقتصاد و توسعه، نیروی انسانی کارآمد است که از طریق آموزش درست و پاسخ‌گو به نیازهای اقتصادی و اجتماعی تربیت می‌شود. به همین دلیل در دهه ۱۹۷۰ اغلب کشورهای صنعتی در غرب برای مقابله با رکود اقتصادی و بیکاری جوانان دست به اصلاحات آموزشی به ویژه در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای خود زدند و کوشیدند بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیاز صنایع هماهنگی و ارتباط به وجود آورند (لاگلو، لیلیز، ۱۹۹۸).^۲ یکی از کشورهایی که این راهکار را پذیرفت و به اجرا گذارد کشور استرالیا بود (کتینگ، ۱۹۹۴).^۳

در اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت استرالیا از یک طرف با بیکاری جوانان در یک اقتصاد حمایتی مواجه بود و از طرف دیگر جریان جهانی شدن اقتصاد به بازارهای داخلی و اقتصاد استرالیا فشار وارد می‌کرد و واردات کالاهای مختلف را به داخل تحمیل می‌نمود (داوکینز، ۱۹۸۹).^۴ دولت استرالیا برای مقابله با این وضعیت و بهبود و اصلاح نظام اقتصادی، سیاست رقابتی را به جای اقتصاد حمایتی پذیرفت و دست به اصلاحات هم‌زمان در نظام اقتصادی و نظام آموزشی خود به ویژه آموزش فنی و حرفه‌ای زد. نتایج این اصلاحات در دهه ۱۹۹۰ استرالیا را موفق نمود بر دو معضل بیکاری جوانان و رکود اقتصادی فائق آید (آرگی و مید، ۱۹۹۵، ص ۴۵).^۵

بر اساس این مشابهت، مطالعه و بررسی تجربه استرالیا در اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برای تربیت نیروهای انسانی کارآمد و توانا، که زیربنای اصلاح نظام اقتصادی برای توانمند شدن اقتصاد داخلی به منظور مشارکت در بازار رقابت جهانی است، می‌تواند درس‌هایی برای اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران دربرداشته باشد.

نگارنده، که رساله دکتری خود را، در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا و کاربرد مزایای آن در آموزش فنی و حرفه‌ای ایران در یکی از دانشگاه‌های استرالیا، به پایان رسانده، کوشش کرده است در مقاله حاضر با استفاده از یافته‌های پژوهشی رساله خود و مطالعات بعدی درس‌هایی از نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا برای اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران ارائه دهد.

^۱ - Fagerlind & Saha
^۵- Argy & Mead

2- Lauglo & Lillis

3- Keating

4- Davkins

اصلاحات آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا

در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، دولت استرالیا در چارچوب اصلاحات اقتصادی خرد^۱ تصمیم گرفت سیاست اقتصادی خود را از اقتصاد حمایتی به اقتصاد رقابتی تغییر دهد. اما این تغییر جهت عظیم اقتصادی نیازمند نیروهای انسانی کارآمد و ماهر بود، لذا به عنوان یک ضرورت به تدوین منشور اصلاحات آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح ملی پرداخت (آرگی، ۱۹۹۳). نکته مهمی که از نظر آموزشی در این اصلاحات وجود دارد، نگاه به اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در دایره بزرگ‌تری به نام اصلاحات اقتصادی و توجه به آن به عنوان یکی از عناصر مهم و اساسی در ایجاد بستری لازم برای دستیابی به اهداف اقتصادی است.

بنابراین هدف اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا افزایش کارایی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای برای کمک به اقتصاد این کشور بود تا بتواند در بازار رقابت بین‌المللی حضور یابد. تحت فشارهای داخلی و خارجی، اصلاحات خرد اقتصادی با هدف افزایش سطح استانداردهای زندگی از طریق افزایش کارایی و انعطاف‌پذیری اقتصاد به وجود آمد. این اصلاحات شامل اصلاح محیط کار^۲ و جایزه بازسازی^۳ بود و ساختار و سازماندهی محیط کار را تحت تاثیر قرار داد و طبقه‌بندی جدیدی از مشاغل به وجود آورد و زمینه چند مهارتی و انعطاف‌پذیری در نیروی کار را به‌عنوان کلید موفقیت‌های اقتصادی فراهم ساخت (هارتون و لاوندر، ۱۹۹۲^۴، مک گیلیواری، ۱۹۹۵^۵). این امر موجب شد بین اصلاحات خرد اقتصادی و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارتباط تعاملی و متقابلی به وجود آید. به عنوان مثال، اصلاحات محیط کار با نفی نظام سلسله مراتبی تیلوریسم^۶ در محیط کار و با به کارگیری نظام مدیریت تخت^۷، صنعت را به سمت انعطاف‌پذیری و کارایی محیط کار هدایت کرد و مشارکت کارفرمایان را در آموزش فنی و حرفه‌ای ضروری ساخت. از سوی دیگر اصلاحات نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در جهت افزایش کارایی و شایستگی نیروهای انسانی موجب ارتقاء کیفیت تولید و موفقیت اصلاحات اقتصادی گردید. در واقع اصلاحات خرد اقتصادی با تغییر محیط و روابط درونی، ارتباط بین صنعت و آموزش فنی و حرفه‌ای را به شدت تقویت کرد. لذا پاسخ‌گویی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به نیازهای صنعت با انجام اصلاحات در هر دو بخش و ایجاد ارتباط بین آنها امکان‌پذیر شد. لذا ملاحظه می‌شود که اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در حلاء و به تنهایی انجام نمی‌شود بلکه در ارتباط با اصلاح اقتصادی انجام می‌گیرد.

قابل توجه است که اندیشه اصلاح نظام آموزشی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از اوایل دهه ۶۰ شمسی، تقریباً همزمان با استرالیا (در دهه ۸۰ میلادی) آغاز شد و در اوایل دهه ۷۰ شمسی با تأکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مرحله اجرا درآمد. اما تاثیر آن بر توسعه اقتصادی و کاهش بیکاری چندان محسوس نبود در حالی که استرالیا توانست با اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به توسعه اقتصادی خود کمک نماید. به همین سبب بررسی ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا می‌تواند درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران داشته باشد. در این رابطه می‌توان در جستجوی پاسخ به این سؤال بود که تا چه اندازه می‌توان از الگوی آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا برای

1 – Microeconomic
5- M, Gillivray

2- Work place
6- Tailorism

3- Restructuring Award
7- Flat Management

4-Harton & Lavender

ایران سود برد. قبل از پاسخ به این سؤال لازم است نگاهی به ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا و وضعیت آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران بیندازیم.

ویژگی‌های مهم نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا

بررسی اصلاحات انجام شده در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا طی دو دهه گذشته، به ویژه در دهه ۹۰ میلادی، نشان می‌دهد که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا، به‌ویژه آموزش فنی و تکمیلی^۱ دارای سه ویژگی اساسی و مهم است که امکان تحرک و انعطاف‌پذیری این سیستم را در پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت و همچنین توسعه و اصلاح مستمر آن فراهم می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف - استقلال سازمانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

ب- ارتباط مستمر با بخش تولید و خدمات

ج- ایجاد مراکز پژوهشی و ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی برای توسعه علمی سیستم.

البته این نظام واجد ویژگی‌های دیگری، از قبیل نظام فدرالی و غیر متمرکز، ناشی از نظام سیاسی فدرالیسم و فرهنگ اجتماعی این کشور است که به واسطه ارتباط آن با فرهنگ سیاسی و اجتماعی ویژه استرالیا، از بحث در باره آنها در این مقاله خودداری شده است.

الف - استقلال سازمانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

نظام آموزش فنی و تکمیلی به عنوان بزرگترین بخش آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا از ابتدا به صورت یک بخش مستقل، همانند آموزش متوسطه و عالی، تاسیس شد. این استقلال برای آموزش فنی و حرفه‌ای فرصت‌هایی را به وجود آورد تا بتواند مورد توجه مستقیم دولت و مردم و بخش اقتصادی قرار گیرد و با بخش صنعت ارتباط برقرار نماید (کانگان، ۱۹۷۴)^۲. به این ترتیب، توجه نظام اقتصادی کشور به انتخاب نیروی انسانی ماهر و همچنین آموزش کارگران به سوی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای جلب گردید. از نظر اجتماعی هم سیستم مزبور برای مردم و اولیای دانش‌آموزان شناخته شد تا آنها، برای کسب مهارت و انتخاب مشاغل حرفه‌ای، فرزندانشان را به این سیستم بسپارند. در نتیجه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای از طرف دولت حمایت گردید و برنامه‌های خود را در سطح وسیعی و به صورت بسیار متنوع توسعه داد. به همین سبب تقاضا برای این آموزش‌ها نیز از طرف مردم و بخش صنعت و خدمات افزایش یافت. این ویژگی، آموزش فنی و حرفه‌ای را به یک بخش بزرگ و عظیم آموزشی تبدیل کرد و مزایایی به شرح زیر برای این سیستم فراهم آورد:

- نظام آموزش فنی و تکمیلی با ساختار ویژه، دارای سازماندهی و برنامه‌ریزی مستقل از سایر بخشهای آموزشی، توانست توسعه و تحول خود را تابع مقتضیات و نیازهای خاص این سیستم نماید.

^۱- TAFE

^۲- Kangan

- به‌عنوان یک نظام مستقل، بودجه خود را به صورت مستقل و مستقیم از دولت دریافت کند.
- ارتباط مستقیم و روشن با بخش صنعت و سایر بخش‌ها برقرار نماید.
- در سلسله مراتب تصمیم‌گیری در سطح ملی به رأس سیستم نزدیک‌تر بوده و در نتیجه آسانتر نیازهای خود را مطرح سازد.
- به عنوان پله‌ای برای رفتن به دانشگاه و مزیت کسب شغل، جوانان را به‌سوی این سیستم جذب نماید.
- رابطه برابر بین این سیستم و سایر نظام‌های آموزشی به‌وجود آورد.
- بنا به ماهیت نظام آموزش فنی و حرفه‌ای امکان برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را در کنار هم فراهم سازد.
- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با کسب شخصیت مستقل توانسته است طیف وسیعی از دانش‌آموزان و جوانان را جذب نماید.
- برای پاسخ‌گویی به نیازهای بخش صنعت و بازار انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد.
- امکان برقراری ارتباط متقابل و متعامل با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی را برای توسعه مفاهیم آموزشی و پیدا کردن راه‌حل‌های کاربردی از طریق انجام پژوهش‌ها به‌دست آورد.
- در واقع ویژگی استقلال سازمانی موجب شده است نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا بتواند در پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر و تحول بخش‌های اقتصادی از خود انعطاف بیشتری نشان دهد و از طریق سازمانهای میانی با بخش تولید و خدمات ارتباط متقابل برقرار نماید.

ب - ارتباط مستمر با بخش خدمات و تولید

دومین ویژگی راهبردی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا برقراری پل ارتباطی با صنعت از طریق تأسیس سازمانهای میانی است. به لحاظ نظری، در عین وابستگی دو بخش آموزش و صنعت به یکدیگر، به‌خاطر مشغله فراوان مدیران از یک سو و تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص این دو بخش از سوی دیگر، که در بسیاری از موارد نظیر هدف‌ها، جو سازمانی، مخاطبان و ماهیت کار با یکدیگر متفاوت‌اند، فراهم کردن امکان برقراری ارتباط مستقیم بین دو بخش مذکور بسیار دشوار است. لذا ضرورت می‌یابد برای ایجاد ارتباط و هماهنگی بین آنها، سازمان‌های ارتباطی به وجود آید. نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا از این ویژگی برخوردار است که این سازمان‌ها را به عنوان پل ارتباطی میان خود و صنعت به وجود آورد تا بتواند با شناخت نیازهای صنعت پاسخ‌گوی آن باشد. این سازمانها ماهیتاً نه کاملاً دولتی هستند و نه کاملاً خصوصی بلکه به‌صورت سازمانهای نمایندگی، شامل ترکیبی از نمایندگان دولت و نمایندگان صنعت، می‌باشند. تأکید آنها برگرد آوردن نمایندگان صنعت و تولیدکنندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در یک‌جا برای تولید برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت است. این سازمانها به

خاطر اهمیت برقراری ارتباط بین آموزش و محیط کار که از دهه ۱۹۷۰ به بعد مورد تأکید قرار گرفت به وجود آمد.

در دهه ۱۹۹۰ با قرار گرفتن نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در فهرست اصلاحات ملی، که نتیجه تأکید مضاعف بر ارتباط بیشتر آموزش فنی و حرفه‌ای با نظام اقتصادی کشور و نقش مهم این آموزش‌ها در توسعه اقتصادی بود، سازمانهای میانی توسعه یافت. به عنوان مثال، انجمن آموزش ملی^۱ در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد و چهارچوب استاندارد آموزشی استرالیا^۲ را تهیه کرد. این سازمان در سال ۱۹۹۵ با ادغام در سازمان دیگری به سازمان جدیدی با عنوان شورای برنامه‌ریزی درسی و استاندارد^۳ تبدیل گردید (گادفری، ۱۹۹۵).^۴ علاوه بر اینها، سازمان اقتدار کارآموزی ملی استرالیا^۵ در سال ۱۹۹۲ بر اساس قانون مصوب پارلمان فدرال استرالیا تأسیس شد تا به تدوین توصیه‌ها و سیاست‌های آموزشی برای دولت و صنعت بپردازد و تولیدکنندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تشویق نماید تا برنامه‌های خود را بر پایه پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت متمرکز سازند. برای این منظور این سازمان با در اختیار گرفتن کانال توزیع منابع مالی در سطح ملی به مؤسسه‌ای که سیاست‌های دولت را در این زمینه اجرا می‌کند کمک مالی پرداخت می‌نماید. این سازمان‌ها، به ویژه سازمان اقتدار کارآموزی ملی استرالیا، که تاکنون در چارچوب نظام ملی آموزش فنی و حرفه‌ای به فعالیت‌های خود ادامه داده‌اند کمک زیادی به انجام اصلاحات در آموزش فنی و حرفه‌ای کردند.

در نتیجه، در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا سازمان‌های ارتباطی نقش بسیار حساسی را در برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت به منظور هماهنگی بین این دو بخش ایفا می‌کنند لذا تأسیس این سازمانها را می‌توان یکی از ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا دانست. البته رابطه بین آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت یک موضوع بسیار پیچیده است که در دو دهه گذشته دچار تحولات بسیار زیادی شده است. انجام دو مطالعه موردی در استرالیا در زمینه ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با صنعت در دو بخش الکترونیک و نساجی نشان می‌دهد که طی دو دهه آخر قرن بیستم، مدل‌های مختلفی برای ارتباط بین نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با صنعت در استرالیا به وجود آمده است.

ج - ایجاد مراکز پژوهشی و ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی

سومین ویژگی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا که نقش بسیار مهمی در اصلاح و انطباق آن با نیازهای در حال تغییر دارد، ارتباط تعاملی آن با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها برای استفاده از یافته‌های پژوهشی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی و حل مسائل موجود و همچنین تولید علم در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توسعه مبانی نظری این آموزش‌ها است. به همین جهت این ارتباط هم از سوی سیاست‌گذاران و تولیدکنندگان این آموزش‌ها و هم از جانب مراکز پژوهشی و علمی حمایت می‌گردد.

1- National Training Board 2- Australian Standards Framework (ASF).
3- Standards and Curriculum Council (SCC) 4- Godfrey
5- Australian National Training Authority

بنابراین سیاستها، مفاهیم، و روشهای اجرایی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با استفاده از تحقیقات انجام شده، که حاصل همکاری متقابل با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است، و در جریان بحث‌های دائمی بین کارشناسان و پژوهشگران در جریان یک اصلاح و توسعه کمی و کیفی مستمر، صورت می‌گیرد. البته این فعالیت محدود به مراکز پژوهشی وابسته به آموزش و پرورش نمی‌شود بلکه توسط مراکز پژوهشی و دانشگاهی و انجمن‌های علمی متعدد در سراسر استرالیا انجام می‌گیرد. یکی از مراکز مهم پژوهشی که در سال ۱۹۸۱ تأسیس شده و تا کنون در این زمینه فعالیت می‌کند مرکز ملی تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای^۱ است که به صورت یک مؤسسه مستقل غیر انتفاعی اداره می‌شود و هیات مدیره آن ترکیبی از نمایندگان صنعت، مقامات آموزشی، و دولت است.

بررسی ادبیات پژوهشی در استرالیا نشان می‌دهد هنگامی که یک ایده یا توصیه جدیدی در یک گزارش تحقیقی انتشار می‌یابد آن ایده یا توصیه مورد نقد و بررسی و ارزشیابی قرار می‌گیرد و مفاهیم مطرح شده ارتقاء پیدا می‌کند. از سوی دیگر اجرای این توصیه‌ها مجدداً باز خورد لازم را به پژوهشگران می‌دهد و در سطح بالاتری مورد توجه و پژوهش قرار می‌گیرد.

به عنوان مثال، گزارش فین^۲ در سال ۱۹۹۱، گزارش کار مایکل^۳ در سال ۱۹۹۲، و گزارش مایر^۴ که حاصل مطالعات و بحث‌ها در کمیته‌هایی با ریاست افرادی به همین نام بود، مفاهیم آموزش مبتنی بر کارآمدی مهارت‌های عمومی یا مشترک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را مطرح کرد و طی مدت کوتاهی با کمک دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با تولید انبوهی از مطالب علمی، این دو مفهوم به سرعت توسعه یافت و وارد نظام آموزش فنی و حرفه‌ای شد. مثال دیگر گزارش آلن است که حاصل آن ارائه دو طرح با عنوان خرید مصرف کننده^۵ و انتخاب مصرف کننده^۶ در زمینه ایجاد بازار آموزشی و استفاده از مکانیسم بازار برای ایجاد ارتباط خودکار بین آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت برای پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت بود که پس از انتشار گزارش، بحث‌ها و مطالعات زیادی از طریق دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی در باره آن صورت گرفت. ادبیات آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا نشان می‌دهد که چگونه ویژگی پژوهش محوری نظام آموزش فنی و حرفه‌ای توانسته است در مدت کوتاهی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا را ارتقاء دهد و به عنوان یک نظام کاراً در کنار نظامهای آموزشی مهم دیگر نظیر سیستم دونال مطرح نماید.

در واقع این مکانیسم موجب ارتقاء پیوسته سیستم گردیده است. بنابراین اجرای این مکانیسم در استرالیا منجر به انجام مجموعه‌ای از اصلاحات آموزشی در سطح ملی شد که به مجموعه اصلاحات ملی آموزش^۷ معروف گردید. بررسی اسناد و ادبیات آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا نشان می‌دهد مطالعات مرتبط با موضوعات آموزش فنی و حرفه‌ای توسط مؤسسات و مراکز پژوهشی و علمی مختلف مانند دانشگاه‌ها انجام می‌شود. با وجود آنکه ممکن است هر یک از این مؤسسات روش‌های مختلفی را در پژوهش‌های خود به کار برند اما همه آنها از طریق توسعه و ارتقاء مفاهیم و مکانیسم‌هایی که منجر به اصلاح و بهبود سیستم می‌شود آموزش فنی و حرفه‌ای را حمایت می‌کنند.

1- National Center for Vocational Educational Research (NCVER)
3- Carmichael 4- Mayer 5- User Buy

2- Finn
6- User Chooses

7- National Training Reform Agenda (NTRA)

در نتیجه، حمایت آموزش فنی و حرفه‌ای توسط طیف وسیعی از پژوهش‌های مرتبط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا دیده می‌شود. این فرآیند فرصت‌های زیادی را برای بحث و نقد و بررسی این آموزش‌ها فراهم می‌نماید که منجر به تولید علم در جهت توسعه و ارتقاء مفاهیم و اصول آموزشی و اجرای آن در آموزش فنی و حرفه‌ای می‌شود و رابطه آموزش و صنعت را تحت تاثیر قرار می‌دهد (خلأقی، ۱۹۹۷).

آموزش فنی و حرفه‌ای ایران

تحولات اقتصادی دهه ۱۳۵۰ شمسی که با افزایش شدید و ناگهانی قیمت نفت در بازارهای جهانی، که به انفجار نفتی موسوم شد، آغاز گردید تاثیر زیادی بر بالا رفتن میزان توجه دولت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای گذاشت. در اوایل این دهه، درآمد نفتی کشورهای نفت خیز از جمله ایران به شدت بالا رفت به نحوی که طی برنامه پنجم (۱۳۵۷-۱۳۵۲) درآمد سالانه حاصل از فروش نفت در ایران از دو میلیارد دلار به بیست میلیارد دلار افزایش یافت. این امر تقاضای بسیار گسترده‌ای برای خرید کالاهای سرمایه‌ای از خارج و تأسیس کارخانه‌های متعدد در داخل کشور به وجود آورد (رزاقی ۱۳۶۷). ورود و تأسیس کارخانه‌های متعدد در زمینه‌های مختلف موجب بالا رفتن شدید تقاضا برای نیروی انسانی ماهر در بازار کار گردید. بخش عمده‌ای از این تقاضا از طریق استخدام متخصصین و کارگران خارجی پاسخ داده شد و برای تأمین بخش دیگر مدارس فنی و حرفه‌ای در سطح دیپلم (هنرستانهای فنی) و فوق دیپلم (انستیتوهای تکنولوژی) در سطح کشور گسترش یافت. با توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حجم این آموزش‌ها در ترکیب جمعیت دانش‌آموزی دوره متوسطه نسبت به آموزش‌های نظری به سرعت افزایش یافت به طوری که از ۴ درصد در سال تحصیلی ۵۱-۵۰ به ۲۳/۶ درصد (بالاترین وضعیت) در سال تحصیلی ۵۸-۵۷ رسید و این افزایش بیشتر (۴۳ درصد) در رشته خدمات و بازرگانی به وجود آمد (خلأقی، ۱۳۸۰). اما علی‌رغم رشد مزبور تعاملی بین آموزش فنی و حرفه‌ای با بخش صنعت ایجاد نشد و محتوای آموزشی با نیازهای صنعت منطبق نگردید. لذا نظام آموزش فنی و حرفه‌ای چه از نظر کمی و چه از لحاظ کیفی توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی را به دست نیاورد. (هالیدی، ۱۹۷۹)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه زیادی به آشناسازی دانش‌آموزان با محیط کار و برقراری ارتباط بین صنعت و آموزش از سوی دست اندرکاران نظام آموزشی مبذول شد و در این زمینه تلاش‌های زیادی هم صورت گرفت. به‌عنوان مثال می‌توان از اجرای طرح "کاد" در دوره متوسطه و احیای طرح هنرستان‌های جوار کارخانه‌ای در آموزش فنی و حرفه‌ای نام برد. اما از آنجا که همه این اقدامات با همان رویکرد سنتی و بدون مشارکت جدی و تعاملی بخش صنعت انجام شد توفیق زیادی پیدا نکرد و میزان پاسخ‌گویی نظام رابه نیازهای صنعت چندان تغییر نداد (خلأقی، ۱۳۶۹). در دهه ۱۳۶۰ نیز به علت افزایش جمعیت دانش‌آموزی و محدود کردن گسترش رشته‌های بازرگانی و خدمات سهم درصدی دانش‌آموزان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سیر نزولی طی کرد به طوری که در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ به رقم ۱۲/۶ درصد رسید.

با توجه به اهمیت نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و اشتغال، در طراحی نظام جدید آموزش متوسطه، کوشش شد جهت‌گیری این نظام به سمت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف آموزش فنون و مهارت‌های مورد نیاز جامعه باشد. لذا با تأسیس شاخه کار-دانش و توسعه آن با همکاری کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌های تولیدی و خدماتی تابع آنها و همچنین بخش‌های غیر دولتی کوشش شد زمینه ارتباط آموزش با بخش‌های اقتصادی و بازار کار فراهم گردید. این موضوع در آئین‌نامه هیات وزیران شماره ۲۷۷۶۳/ت/۴۴۴ هـ. مورخ ۱۳۷۱/۹/۲۸ فصل سوم ماده ۱۷ و ۱۸ به صراحت بیان شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵ ص ۳۱۰). از آنجا که هدف کلی شاخه کاردانش تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های صنعت، کشاورزی، و خدمات براساس نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور اعلام شد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵ ص ۲۹۵)، در برنامه‌ریزی درسی رویکرد پاسخ‌گویی به نیازهای بازارکار و صنعت مورد توجه قرار گرفت و محتوای برنامه‌های درسی بر مبنای تجزیه و تحلیل مشاغل تهیه و تدوین گردید (معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای، روش تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی آموزش فنی و حرفه‌ای، بدون تاریخ). در بعضی موارد نیز با تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش خاصی از صنعت (مانند سیمان) برنامه و محتوای درسی با مشارکت و درخواست مستقیم بخش صنعت تهیه گردید. در دهه ۱۳۷۰ که نظام جدید آموزش متوسطه و تأسیس شاخه "کار-دانش" آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توسعه یافت. با وجود افزایش جمعیت دانش‌آموزی به ویژه در دوره متوسطه، سهم آموزش‌های فنی حرفه‌ای و کار-دانش در ترکیب جمعیت دانش‌آموزی افزایش قابل توجهی پیدا کرد، به طوری که در پایان دهه ۱۳۷۰ (سال تحصیلی ۸۰-۷۹) نسبت دانش‌آموزان شاخه فنی حرفه‌ای و کار-دانش به شاخه نظری به رقم ۲۸/۳ درصد رسید و پیش بینی شده است تا پایان برنامه سوم توسعه کشور به رقم ۳۵ درصد افزایش یابد (خلاقی، ۲۰۰۱).

وجود تلاش‌های انجام شده برای مشارکت وزارتخانه‌ها و بخش‌های دیگر دولتی و غیر دولتی در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار-دانش نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در تشخیص نیازهای واقعی و جلب همکاری بخش‌ها موفق نبوده است و بر خلاف طرح اولیه بار اصلی این آموزش‌ها بر دوش آموزش و پرورش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی این ناکامی آماده نکردن زمینه‌ها و شرایط لازم برای اجرای نظام جدید آموزشی باشد. یکی از این شرایط مجهز نبودن نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به ابزارهایی است که به کمک آنها بتواند اهداف نظام را تحقق بخشد.

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالارفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی، و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است. لذا از جمله موانع عمده بر سر راه اجرای نظام جدید آموزشی و تحقق اهداف آن نبود زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق این ویژگی‌ها است. به عبارت دیگر، مهم‌ترین مشکلات برای کسب سه ویژگی کارایی، انعطاف‌پذیری، و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد.

الف - ساختار اجرائی و آموزشی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

ب- ارتباط ضعیف بین آموزش فنی و حرفه‌ای و مراکز تولیدی و خدماتی

ج- نبود پشتوانه علمی برای ارتقاء کیفی این آموزش‌ها

ملاحظه می‌شود که برخی راهکارها برای مشکلات و تنگناهای عمده نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را می‌توان در ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا که موفق به حل بعضی از این مشکلات گردیده است، به دست آورد. از آنجا که اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در استرالیا هدف‌های مشابهی را در مقایسه با اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران در زمینه کمک به اشتغال جوانان، توسعه اقتصادی و توانایی حضور در بازارهای جهانی دنبال می‌کند؛ با توجه به بحث‌های انجام شده و راهکارهایی که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا برای رسیدن به هدف و حل معضلات آن پیش‌بینی کرده و نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران فاقد آنهاست به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش‌های پیشین گفته شد، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا در مقایسه با نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران دارای بعضی ویژگی‌هایی است که امکان تحرک و انعطاف‌پذیری این سیستم را در پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت و توسعه و اصلاح مستمر آن فراهم آورده است. این ویژگی‌ها در صورت بومی شدن می‌تواند به عنوان راه‌حل‌هایی برای تحرک و اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین می‌توان پنج راهکار اساسی یا پنج درس کاربردی از نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا برای اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران به دست آورد که در زیر این راهکارها و چگونگی ارتباط آن با نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - اولین ویژگی که برای آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا برشمرده شد استقلال این سیستم از سایر نظام‌های آموزشی (ابتدائی، متوسطه و عالی) و فراگیر بودن آن در همه زمینه‌های مرتبط با آموزش فناوری است، به نحوی که هر نوع برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اعم از رسمی و غیر رسمی را زیر پوشش خود قرار دهد و برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را در یک فرآیند گسترده فراهم آورد. یکی از تنگنانهایی که در آموزش فنی و حرفه‌ای ایران وجود دارد پراکندگی سازمانی و تعدد متولیان این آموزش است به طوری که بیش از یکصد سازمان و نهاد مختلف وجود دارد که به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اشتغال دارند. برای حل این معضل و ایجاد هماهنگی بین این مؤسسات شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای با مشارکت ۶ وزیر براساس مصوبه سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی تاسیس گردید (شورای عالی هماهنگی، ۱۳۶۱) و تا سال ۱۳۷۹ به فعالیت پرداخت. با همه تلاش‌هایی که توسط این نهاد انجام شد مشکل عدم هماهنگی بین متولیان مختلف حل نشد و لذا در سال ۱۳۸۰ با انحلال سه نهاد شورای عالی کارآموزی، شورای عالی هماهنگی و شورای عالی آموزش‌های علمی کاربردی نهاد جدیدی با عنوان ستاد هماهنگی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تأسیس شد (ماده ۱۵۱ قانون برنامه سوم توسعه). تجربه استرالیا به عنوان یک راه

حل برای رفع این نقیصه و ایجاد هماهنگی بین انواع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی بخش‌های تولیدی (صنعت، کشاورزی، و خدمات) نشان می‌دهد تأسیس یک نظام مستقل آموزش فنی و حرفه‌ای در کنار سایر نظام‌های آموزشی قادر خواهد بود از یک‌سو دانش‌آموزان را بعد از تحصیلات عمومی از پایه‌های مختلف به‌سوی این آموزش‌ها جذب نماید و راه دیگری غیر از رویکرد قبولی در دانشگاه را برای ارتقاء فردی و کسب شغل بگشاید و آنان را برای محیط کار آماده سازد و از سوی دیگر با فراهم کردن دوره‌های کوتاه‌مدت و یا پاره‌وقت برای شاغلین و یا افراد آماده به‌کار فرصت‌های آموزشی متنوعی را به‌وجود آورده و با پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار ارتباط نزدیکی با بخش تولید برقرار نماید. چنین سیستمی ضمن آن که به‌آسانی می‌تواند مورد ارزشیابی قرارگیرد با ایجاد ارتباط مستقیم با دولت و مراجع دست اول تصمیم‌گیری قادر خواهد بود اعتبارات لازم را به‌دست آورده و به‌نحو مؤثری مورد استفاده قرار دهد. از طرف دیگر شفافیت سیستم و سرعت و پایداری تصمیمات موجب تشویق و جلب سرمایه‌های بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌شود. البته این فکر در ایران نیز چندین غریب نیست، زیرا در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی مدت‌ها مورد توجه محافل آموزشی بود به‌طوری‌که دردی‌ماه سال ۱۳۵۸ شهید رجائی به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش طی نامه شماره ۲۷۰۳۴/دو مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۳ به شورای انقلاب اسلامی ایران پیشنهاد داد کلیه مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای مستقر در وزارت‌خانه‌های مختلف در وزارت آموزش فنی و حرفه‌ای متمرکز گردند (شورای عالی هماهنگی، ۱۳۶۱). البته این پیشنهاد بعداً به صورت لایحه تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای تدوین شد و به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید و همان‌طور که قبلاً اشاره شد اکنون در قالب ماده ۱۵۱ قانون برنامه سوم توسعه به‌صورت ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای درآمده است.

۲ - دومین ویژگی یاد شده در آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا تأسیس سازمان‌های نمایندگی میانی و رابط برای برقراری پلی میان مدرسه و صنعت و ایجاد ارتباط مؤثر بین این دو نهاد بود. با توجه به تفاوت‌های اساسی بین محیط آموزشی و فرهنگی حاکم بر آن با محیط کار و مشغله فراوان کاری دو گروه، برقراری ارتباط مستقیم بین آنها بسیار دشوار است. به همین دلیل وقت و انگیزه زیادی، نه از سوی مراکز آموزشی و نه از سوی صنعت، برای ایجاد این ارتباط وجود ندارد. از طرف دیگر، یکی از تنگناها و مشکلات آموزش فنی و حرفه‌ای که مانع پاسخ‌گویی آن به نیازهای صنعت می‌گردد عدم ارتباط میان این دو بخش است (خلاق، ۱۳۷۷). لذا ضرورتاً یک سازمان واسطه باید وجود داشته باشد تا به‌صورت سازمان‌یافته‌ای این ارتباط را برقرار سازد. به همین سبب تأسیس چنین سازمانهایی با عضویت و مشارکت اعضای دو گروه می‌تواند آموزش فنی و حرفه‌ای را در موارد زیر کمک نماید:

- توسعه همکاری مدارس با حوزه‌های مختلف صنعت؛
- افزایش میزان مشارکت کارفرمایان در فرآیند برنامه‌های درسی و آموزشی؛
- بالابردن درک کارفرمایان از منافع و آثار آموزش در افزایش کیفیت تولید؛
- تهیه استانداردهای آموزشی به‌منظور تعیین شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در محیط کار برای تربیت دانش‌آموزان؛
- فراهم کردن فرصت‌های کارآموزی برای هنرجویان در صنایع؛ و

- درک نیازهای صنعت توسط نظام آموزش فنی و حرفه‌ای برای به‌کارگیری در برنامه‌ریزی درسی.

البته اجرای این ویژگی به‌ویژه در یک نظام مردم‌سالاری دینی نیازمند توسعه نهاد‌های مدنی و شکل‌های صنفی در بخش تولید مانند تشکلهای صنفی در بخش تولید و مشارکت آنان در سیاستگذاری‌های اقتصادی و آموزشی می‌باشد.

۳- سومین ویژگی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا (که البته در سایر نظام‌های آموزشی این کشور نیز وجود دارد) ویژگی پژوهش محور بودن آن و حمایت علمی مراکز پژوهشی و دانشگاهی از این آموزش‌ها است. مفاهیم و دیدگاههای جدیدی که در آموزش فنی و حرفه‌ای در جریان عمل کارشناسان یا تحقیق پژوهشگران به وجود می‌آید، مانند مفهوم آموزش مبتنی بر کارآمدی^۱، بلافاصله توسط گروههای پژوهشی و صاحب‌نظران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تبیین و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و در یک فرایند فعال توسعه می‌یابد. لذا نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در تعامل بین حوزه عمل و نظر از طریق مطالعات علمی مرتباً در حال خلق و توسعه مفاهیم جدید و بازسازی و اصلاح نظام آموزشی است. به عبارت دیگر، اصلاحات آموزشی از طریق مکانیسم پژوهش صورت می‌گیرد. در واقع ویژگی پژوهش-محوری، این سیستم را قادر ساخته است به‌طور مستمر به اصلاح خود بپردازد و خود را با تغییرات زمان و فناوری هماهنگ سازد. یکی از مشکلات عدیده‌ای که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران با آن مواجه است همان عدم توانایی در یافتن راه‌کارهای جدید و متناسب با تغییرات زمان برای پاسخ‌گویی به نیازهای مشتریان و اصلاح نظام می‌باشد. فقدان یک مبنای نظری برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اتکاء به آن برای بررسی علمی مشکلات و کشف راه‌کارهای کاربردی برای اصلاح و توسعه کیفی نظام، نداشتن یا کمبود مراکز پژوهشی وابسته و معتبر در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و عدم ارتباط این نظام با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی است. در حال حاضر با وجود گستردگی و تنوع این آموزش‌ها هنوز هیچ مرکز یا موسسه پژوهشی وابسته یا مستقل و معتبری برای تحقیق در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران تأسیس نشده است. علاوه بر آن هیچ رشته آموزشی و حتی واحد درسی در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دانشگاه‌های ایران وجود ندارد تا به بهانه آن زمینه مطالعه و تحقیق یا حتی ترجمه تالیفات انجام شده برای دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها به وجود آید، در حالی که با توجه به نیاز گسترده این آموزش‌ها می‌توان در دوره‌های کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم تربیتی و دانشگاه تربیت مدرس دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی درسی، مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، استانداردهای آموزشی و مانند آنها را در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأسیس کرد و به تربیت نیروهای علمی و کارشناسی در این زمینه‌ها پرداخت و به این طریق بنیه علمی کشور را برای ارتقای کیفی این آموزش‌ها توسعه داد.

علاوه بر سه ویژگی یاد شده دو راهکار دیگر نیز در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا وجود دارد که می‌تواند برای اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران مورد توجه قرار گیرد و به سه راه‌کار دیگر افزوده شود.

۴- تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به مقامات محلی برای توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای. این اقدام از این نظر برای نظام آموزش ما حائز اهمیت است که یکی از تأکیدها و سیاست‌های جدید آموزش و

پرورش در ایران گرایش به تمرکززدائی و تفویض اختیار است که هر چند تاکنون به‌طور جدی تحقق نیافته است اما در شکل‌های مختلف، مثل طرح مسئله مدرسه محوری و تشکیل سازمان آموزش و پرورش در استان‌ها و غیره، نشان داده شده است. تنوع جغرافیائی، قومی، و فرهنگی در ایران و استرالیا خصیصه مشترکی است که برخی تاکیده‌های مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد. لذا نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا که یک نظام کاملاً غیرمتمرکز بوده است، در اصلاحات آموزشی با استفاده از تجارب خود برای دور شدن از خسارت‌های ناشی از عدم تمرکز مطلق مانند پراکندگی، بروز تضادهای داخلی در نظام آموزشی و غیره به‌سوی درجه‌ای از تمرکز با تفویض اختیار و ایجاد یک نظام ملی آموزشی حرکت کرده است (مارگینسون، ۱۹۹۳) و در مقابل، نظام آموزش و پرورش ایران برای دور شدن از خسارت‌های ناشی از تمرکز شدید مانند عدم انعطاف‌پذیری، کندی فرایند تصمیم‌گیری، و عدم توجه به نیازهای محلی به‌سوی نظام عدم تمرکز گرایش پیدا کرده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰). در واقع این دو سیستم در دو سوی مختلف تمرکز و عدم تمرکز قرار گرفته‌اند و برای حل مشکلات ناشی از این دو سیستم به سوی مرکز این طیف یعنی تفویض اختیار حرکت کرده‌اند. به همین سبب این تجربه نشان می‌دهد که باید نظام آموزشی در تعیین استراتژی و سیاست‌های آموزشی به شیوه تمرکز و در تعیین نیازها و روش‌های آموزشی به شیوه عدم تمرکز عمل نماید و تعادل بین این دو روش را حفظ نماید. از این تعادل به "تفویض اختیار" یاد می‌شود. در واقع با توجه به تفاوت‌های جغرافیائی، استعدادها و امکانات اقتصادی و تنوع فرهنگی و ضرورتاً تنوع نیازها و لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای محلی، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای باید با ایجاد انعطاف‌پذیری به تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به مقامات محلی در زمینه انطباق نظام آموزشی با شرایط و نیازهای محلی توجه جدی نماید. این اقدام می‌تواند مشاغل بومی و صنایع محلی و مشاغل کوچک در منطقه را توسعه دهد و امکان استفاده بهینه از امکانات و استعدادها و زمینه‌های جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ را فراهم نماید. به عبارت دیگر با اجرای این سیاست نظام آموزش فنی و حرفه‌ای امکان برقراری ارتباط با صنایع و مشاغل محلی را به‌دست می‌آورد و می‌تواند به تربیت نیروی محلی و بهبود کیفیت مشاغل و تولیدات آن کمک نماید.

۵- ایجاد سیستم آموزش مبتنی بر کارآمدی. برقراری سیستم آموزش مبتنی بر کارآمدی در آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا نقش بسیار مهمی در اصلاح نظام آموزشی ایفا کرده و امکان ارتقاء نظام آموزشی را در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت به وجود آورده است. از آنجا که یکی از هدف‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران نیز پاسخ‌گویی این نظام به نیازهای صنعت و بازار کار می‌باشد و کوشش دارد مشارکت کارفرمایان و شرکت‌های تولیدی و خدماتی را در آموزش فنی و حرفه‌ای جلب نماید، استقرار نظام آموزش مبتنی بر کارآمدی می‌تواند در این زمینه کارساز باشد و موجبات برقراری ارتباط بیشتر با سیستم اقتصادی و در نتیجه امکان پاسخ‌گویی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به نیازهای صنعت فراهم سازد. البته سیستم آموزش مبتنی بر کارآمدی یک مفهوم جدید است که خود نیازمند تبیین و توجیه می‌باشد. با توجه به اینکه در حال حاضر در قالب شاخه کار-دانش و آموزش‌های جوارکارخانه‌ای مشارکت و همکاری بخش‌های تولیدی و خدماتی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد پذیرش قرار گرفته و در واقع این سیستم در قالب الگوی ورودی به‌طور محدودی به اجرا در آمده است، اجرای این سیستم در قالب الگوی نتیجه‌مدار که

کاربرد وسیعی در آموزش و پرورش دارد می‌تواند ضمن توسعه این همکاری‌ها کارآیی نظام آموزشی را افزایش دهد (خلیقی ۱۳۷۹).

منابع

- خلیقی، علی اصغر (۱۳۸۰). بازشناسی آموزش فنی و حرفه‌ای در وزارت آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت (گزارش تحقیق).
- خلیقی، علی اصغر (۱۳۷۹). مفهوم نظام کارآمدی در آموزش فنی و حرفه‌ای. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱ بهار ۱۳۷۹، سال شانزدهم، شماره مسلسل ۶۱، صفحات ۲۲ - ۷.
- خلیقی، علی اصغر (۱۳۷۷). طرح ساماندهی اقتصادی: بحثی در اشتغال، اقتصاد رقابتی، و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. روزنامه اطلاعات، صفحه ۸ (الفبا)، شماره ۲۱۴۷۴، مورخ پنج‌شنبه ۷ آبان ۱۳۷۷.
- خلیقی، علی اصغر (۱۳۶۹). بررسی میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هنرستان‌های جوار کارخانه‌ای در مقایسه با دانش‌آموزان هنرستان‌های متعارف در استان تهران. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران (رساله فوق‌لیسانس).
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷). اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- شورای عالی هماهنگی (۱۳۶۱). شورای عالی هماهنگی از آغاز تاکنون. تهران: معاونت آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۲). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: معاونت آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای.
- مرجانی، بهناز (۱۳۷۳). سیر تکوینی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران. تهران: معاونت آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای.
- معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای بی‌تا. روش تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی آموزش فنی و حرفه‌ای. (بدون تاریخ). تهران: معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱). مروری بر تحولات آموزش و پرورش در دولت هفتم (۱۳۷۶ - ۱۳۸۰). تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۵). کلیات نظام جدید آموزش متوسطه. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

ANTA (1994). Annual Performance Report (1993-94). Canberra: Australian Government publishing Service (AGPS).

Argy, F. (1993). A Long Term Economic Strategy for Australia. Vol 3. CEDA Information Paper, (No.36) CEDA, Australia.

Argy, F; Mead, M. (1995). The Australian Economy: Recent Performance and Future Challenges. CEDA, ANZ. Phillip Morris Group.

Carmichael, L. (Chair) (1992). The Australian Vocational Certificate Training System. Canberra: National Board of Employment, Education and Training.

Dawkins, J.S. (1989). Improving Australian's Training System. Australia: Minister for Employment, Education, and Training.

Finn, B. (1991). Young People's Participation in Post – Compulsory Education Training (Report of the Australian Education Council Review Committee). Canberra: Australian Government Publishing Service.

Fagerlind, I., & Saha, J. (1989). Education and National Development: A Comparative Perspective (2nd ed.). Sydney: Pergamon Press.

Dangan (1974). TAFE in Australia: Report on Needs in Technical and Further Education. Canberra: AGPS.

Deating, P.J. (1994). Working Nation: Policies and Programs. (White Paper) Canberra: AGPS.

Goozee, G. (1993). The Development of TAFE in Australia. Australia: National Centre for Vocational Education Research (NCVER).

Gokfrey, A.M. (1995). Value. VTB Network.

Hall, W.C. (1995). The national training reform agenda. *The Australian Economic Review*, 2nd Quarter (Institute of Applied Economic and Social Research, April – June), 82 – 92.

Holliday, F. (1979). Iran: Dictatorship and Development (2nd ed.) Australia: Penguin Book.

Hayton, G; Lavender, P. (1992). Workplace Reform and TAFE: Four Case Studies. National Centre for Vocational Education Research. Lea brook, South Australia.

Khallagi, Ali, A. (1997). An Investigation of the Relationship between Aspects of Vocational Education and Training (VET) and Industry in Australia with Implications for the Iranian VET System (Ph. D. thesis). Australia: The University of Queensland, Brisbane.

Khallagi, Ali, A. (1989). The Linkage of Work and Education: Models Derive form the Australian Experience. (A Paper presented in the International Forum on Technical and Engineering Education in Developing Countries, 25-27 November 1989. South Korea: Kut University.

Khallaghi, Ali. (2001). Reform education. The Iranian new secondary education system focusing on "kar – danesh" as an vocational innovation. A country report paper presented in the International perspective: Pergamon Press.

Lauglo, J., & Lillis, K. (1989). Vocationalizing education: An International Perspective: Pergamon Press.

Marginson, S. (1993). Education and public policy in Australia. Sydney: Cambridge University Press.

Mayer, E. (Chair) (1992). The Mayer committee: Employment key competencies. A proposal for consultation. Commonwealth of Australia, Canberra. Rutledge

McGillivray, M., & Papadopoulos, T. (1995). The Australian economy: principles, policies, and performance. Melbourne: Nelson

McKenzie, D., & Wilkins, C. (1979). TAFE: A Brief history. In: *The TAFE paper*. (Eds: McKenzie, D; Wilkins, C.). Sydney: The Macmillan Company of Australia, 1-5.

National Training Board (NTB) (1992). Australia Standards Framework (ASF). NTB Network.

VETEC (1992). Policy and Procedures Manual (3rd ed.). Vocational Education, Training, and Employment (VETEC). Queensland.